

خط عربی در هنر اسلامی

□ دکتر سوری

• احسان مرادی

صورت‌های متفاوت اعم، از نقش، و تزئین ظاهر گردید. خط عربی که ریشه کنعانی دارد، در منطقه (جبیل) به وجود آمد، و بیشتر به صورت هندسی نوشته می‌شد. و بعد از آن به مرور تکامل یافت و به صورت‌های سهل و آسانی درآمد، و گاهی نیز به صورت هندسی و شکسته و اشکال دیگر از این قبیل ظاهر گردید، هنگامی که خط کوفی ظهور کرد، در واقع این خط به بالاترین حد کمال رسید. و حتی به صورت یک بنای محکم هندسی درآمد، که گله‌ها و برگ‌هایی از نقش و نگار، آن را زینت می‌داد، که این نوع را (رقی) می‌نامیدند. اما این خط هندسی در قرن پانزدهم، صرفاً برای تزئین دیوارهای ساختمانها در فارس مورد استفاده قرار می‌گرفت و از قطعات آجر تشکیل گردیده، بر روی هم قرار می‌گرفت و کلمات مقدسی همانند اسم الله، رسول خدا و خلفا را تشکیل می‌داد.

هنگامی که این خط به تابلوها منتقل گردید، با نقش و نگار ممتزج گردید، به صورتی که تشخیص اصل از فرع، امکان پذیر نبود. خط عربی از دو ساختار اصلی تشکیل شده است. اول شکل، مُزوی ،

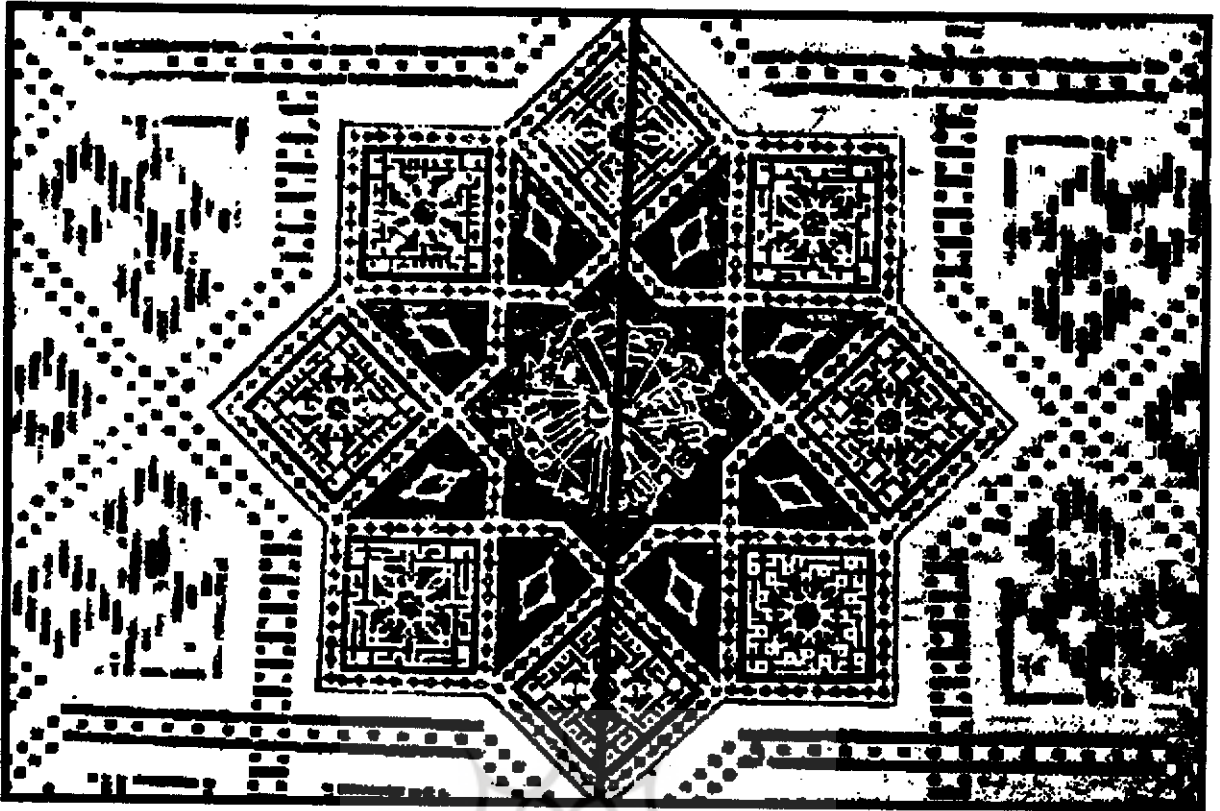
خط عربی در هنر اسلامی

نقش و نگار عربی در حد فاصل میان خط و تصویر عربی قرار گرفته است. خط عربی در واقع همان ترسیم کلماتی است که معانی معینی را حمل می‌کند، اما تصویر عبارت از کشیدن و ترسیم اشکال و صوری است که حادثه یا منظره واقعی یا خیالی را تجسم می‌نماید. نقش و نگار، رسمی است که معنای لفظی یا ظاهری را بیان نمی‌کند، بلکه شکل هیولا و جوهر را به اشیاء منتقل می‌سازد و در این جا، واضح می‌شود که نقش از جهتی منتهی و غایت خط است، و از جهتی دیگر غایت تصویر به شمار می‌رود. در اینجا، خط عربی از شکل ابتدایی خود خارج گردیده به صورت هنر درآمد به نحوی که تغییرات زیادی در آن به وجود آمد. خط عربی با وجود اینکه از وظیفه و شکل ظاهری خود عدول نکرده، به صورت یک سبک هنری صرف درآمد که با معنی اصلی خود بی‌ارتباط بود، و حتی با مشخصات مقدس خود که به شکل زیبایی درآمد بود نیز بی‌ارتباط بود. خط هنری علاوه بر جایگاه اصلی خود، به صورت سبک‌های مجردی درآمد و به

یعنی دارای زاویه یا هندسی شکل و دوم از شکل لطیف نوشتاری به وجود آمده است، نقش نیز از دو شکل هندسی درست شده است، که نوع اول از مثلث یا مربع و شاخه های مختلف آن است که این نوع نقش را خیط یا نخ می نامند. شکل دیگر که لطیف تر است، از گیاهان و رگه ها تشکیل شده، رمی، نامیده می شود.

تکامل خط عربی، بیشتر به سمت و جهت نقش، مورد توجه قرار گرفت و اهمیت شایانی که نسبت به این خط داده شد، بیشتر به جهت مضامین قدسی آیات قرآنی بود که باعث گردید از جایگاه بالایی برخوردار گردد. این خط همچنین به علت بازگشت تصویر تشبیهی، بعد از حمله محدثین به این موضوع در دوره عباسی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. به عنوان مثال آنچه که بر دیوارهای قصر مشتی کنده کاری شده است. در آنجا به وضوح دیده می شود که چگونه موجودات زنده و گیاهان و برگها با یکدیگر تداخل پیدا کرده و به صورت اشکال شبه مجردی درآمده اند و به شکلی تزیین شده اند که می توان گفت به مرز نقش و نگار نمی رسند، یا در مورد کارهای هنرمندان سوری و عراقی که در کتاب کلیله و دمنه آمده و در کشور سوریه به سال ۱۳۵۴م به تصویر کشیده شده می بینیم که گیاهان همانند نقش کشیده شده اند، و یا حیواناتی مانند فیل، و خرگوش نیز به سبک خطوط کشیده شده اند. این خطوط و چهره ها را در کتاب مصوری به نام کتاب حیوان، متعلق به جاحظ که در سوریه به سال ۱۳۲۵ م نقاشی شده، می بینیم. وضعیت این خطوط به نحوی است که بعضی از آنها به تجرید و نقش، نزدیکتر است مانند خطوط کتاب کشف الاسرار ابن غانم قدسی، که در سوریه به سال ۱۳۵۰م به تصویر کشیده شده است. ما این خطوط و چهره ها را می بینیم که در مرحله بعدی ظاهر گردیده، و نقش اساسی را سبک نقاشی هنری آن تشکیل می دهد. نحوه خطوط به شکلی است که تصاویر در آن به صورت نقش و نگار دیده می شود. همان طور در صور





کتاب مخطوط قدسی که متأثر از تصاویر مدرسه سوریه بوده و همچنین در کتاب خطی مقامات حریری که موضوعات آن در سال ۱۳۳۷ م. به تصویر کشیده و در کتاب داستانی بیاض و ریاض، که در مراکش و اسپانیا چاپ شده نیز این خطوط دیده می شود.

خط عربی بیانگر، بالاترین نوع ابداع و خلاقیت در هنر اسلامی است، و هنرمندان خوشنویس به خلق اشکال مختلف آن پرداختند به طوری که تعداد آن از صد نوع فراتر رفت. ما در مورد نقش خط در تکامل نقش عربی بحث کردیم. از اشکال مختلف اولیه خط عربی که در روزگار حضرت رسول (ص) به وجود آمد. می توان از خط مکی و خط مدنی نام برد. صاحب کتاب الفهرست این ندیم، در مورد این خط می گوید: این خط الف های آن خمیده و متمایل به دست و بر روی انگشتان، و شکلش متمایل به چپ است.

علاوه بر این خط، خط دیگری نیز بود که تقریباً دارای زاویه بود، و نام آن را (مزوی) یعنی زاویه دار گذاشته بودند و برای اخبار عامه مردم مورد استفاده قرار

می گرفت و کوفه جایگاه اصلی این خط به شمار می رفت. بعد از این خطوط، قرآنه‌های هفت گانه که به وسیله زیدبن ثابت در دوره عثمان و با خط مدنی نوشته شد، ظاهر گردید. این خط دارای قلمی ساده و روان بود و دورانی شکل نبود. آنچه که می توان گفت این است که تمامی خطوط قرآنی دوره عثمانی از محدوده خط مدنی خارج نگردید، و در واقع این خط، تکامل یافته خط نبطی عراق، به شمار می رفت.

در دوره عمر خط مشق، به وجود آمد. مشق در نوشتن به معنای کشیده شدن حروف آن است و آن خطی سریع بود، حروف آن کشیده شده و ترکیب آن نسبت به خطوطی که قرآن را با آن می نوشتند، پیچیده تر بود، و نسبت به خط مدنی بخصوص در مگذارای تفاوت داشت. در دوره عمر، همچنین خط جدیدی در کوفه به وجود آمد که به دستور سعد بن ابی وقاص نوشته شد و اسم آن را خط کوفی نهاد. این خط، خشک و شکننده بود و در نوشتن آن از ابزار آلات هندسی نیز استفاده گردیده و احتمال دارد این خط از نوشته های سریانی که در اطراف کوفه و

● خط کوفی، همیشه خشک و شکننده نبوده، بلکه به صورتهای دایره ای شکل و توخالی نیز، ظاهر گردیده است، این خط در عین سادگی سریع نوشته می شد و امروزه خط معروف نسخ، خیلی به آن شبیه است. خط کوفی در ابتدا به مدینه و سپس به مصر انتقال یافت.

بخصوص در حیره، شایع و متداول بوده، گرفته شده باشد. اما خط کوفی، همیشه خشک و شکننده نبود. بلکه به صورتهای دایره‌ای شکل و توخالی نیزه ظاهر گردیده است، این خط در عین سادگی سریع نوشته می‌شد و امروزه خط معروف نسخ، خیلی به آن شبیه است. خط کوفی در ابتدا به مدینه و سپس به مصر انتقال یافت.

در دوره 'امویان، خط شامی پدید آمد. و ابن ندیم معتقد است که شخصی بنام قطبة‌المحرر خوشنویس، اولین کسی است که خط عربی را ایجاد، و آن را تکمیل نمود، بعد از آن چهار نوع، از این خط، به نام خط جلیل، طومار، ثلث، و نصف ایجاد شد که دو تای اولی شکسته و دو تای دیگر، ملایم و ظریف هستند. خوشنویسان دوره 'اموی، مالک بن دینار، خالد ابن ابی‌الهیاج، شعیب بن حمزه، اسحاق بن حماد، و ابراهیم شجری، شهرت زیادی یافتند. خط شاجی بسیار نزدیک به خط کوفی است، اما تفاوت بین این دو، به شیوه 'نگارش خوشنویسان بازمی‌گردد. در مورد خطوط دیگر آن دوره مانند خط مصری، خط تونسی، و همچنین خطوطی که بعد از آن در دوره 'عباسیان به وجود آمد، و ابن ندیم نیز آن را ذکر می‌کند، مانند، مقلث، مدور راصف، مصنوع، تجاوزید، نیز به همین منوال است و این خطوط نیز به دور از یکدیگر نبوده‌اند.

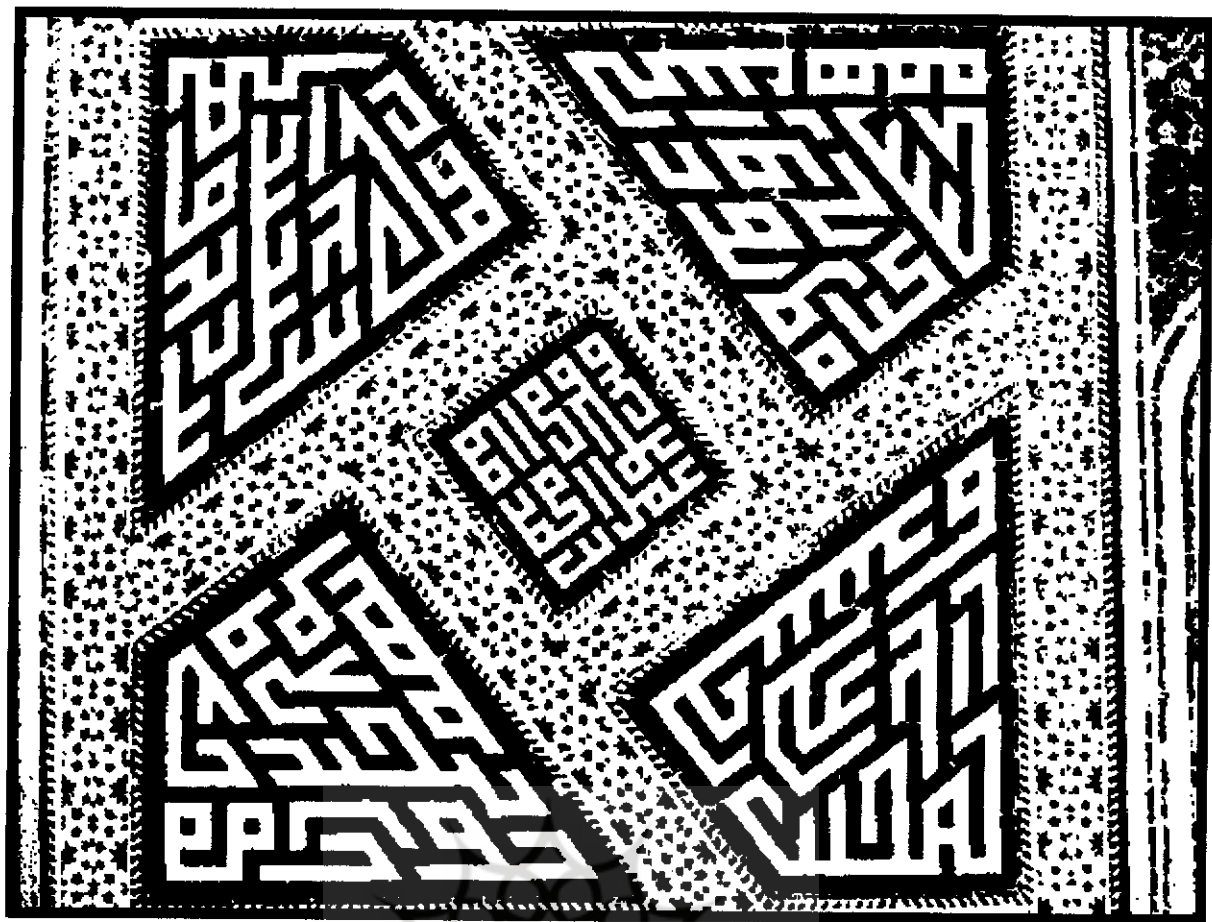
از مشهورترین خوشنویسان و خطاطان دوره 'عباسی، شخصی به نام احوال‌المحرر بود و یکی از بزرگان خط به شمار می‌رفت، معتصم وزیر نیز از خط او در شگفت بود و هیچ کس جز احوال، برای او چیزی نمی‌نوشت. احوال از سبکهای مسلسل، خطی را ایجاد نمود که متصل بود و بین حروف آن هیچ فاصله‌ای وجود نداشت، یا خط حمام، که برای نوشتن نامه‌ها، از آن استفاده می‌نمود. و همچنین سبک جازه که بسیار شبیه به خط ثلث و نسخ بود.

اما ابوعلی محمد بن مقله، متوفی به

سال ۹۳۹، که وزیر مقتدر قاهر بالله، و راضی بالله بود، از خطاطان معروف آن زمان به شمار می‌رفت، پسرش نسبت ناروا به او زد، و راضی بالله، دست راست او را قطع نمود. وی سپس با دست چپ شروع به نوشتن کرد. گفته شده که وی هنگام نوشتن، ساعد قطع شده دست راست خود را محکم می‌بست. ابن مقله خط نسخ را به وجود آورد و آن را تکمیل نمود. همچنین برادر وی عبدالله بن مقله، در نوشتن خط زیبا شهرتی به دست آورد. وی در نزد احوال‌المحرر شاکردی می‌کرد.

فرزندان مقله در نوشتن خط ثلث، و نشانه‌گذاری آن بسیار استاد و زبردست شدند، به طوری که در دوره 'ابن مقله وزیر، سبک و شیوه خط وی به جاهای مختلف انتقال یافت. مشهورترین کسی که سبک خط ابن مقله را گرفت، شخصی بود به نام عبدالله بن اسد، که قاری قرآن بود و به سال ۱۰۱۸م وفات یافت. وی شعر را با خطی نزدیک به محقق می‌نوشت، چنانکه ابن فوطی می‌گوید: از ابن اسد مشهورتر شخصی به نام ابن البواب است که در شیوه و سبک نوشتن خط زیبا، معجزه می‌کرد. احتمالاً ابن مقله 'وزیر در خصوص تجدید خط ثلث و انواع آن، بیش از اندازه 'زیاده کرده باشد. آثار ابن مقله، تقریباً تماماً مفقود گردیده و هیچ گونه آثاری از خط وی موجود نیست. مگر آنچه که مورخین گفته‌اند و یا در کتابها آمده است. بعضی از آثار ابن البواب به دست ما رسید مثل دیوان شعر سلامة ابن جندل، و قرآن، که در مؤسسه شوستر بتی در شهر دوبلین نگهداری می‌شود. همچنین کتاب جامع محاسن کتابه‌الکتاب که وی جمع‌آوری کرده و محمد بن حسن طیبی آن را نوشته است، (محمد بن حسن طیبی، یکی از خوشنویسان سال دهم هجری است) و با شیوه و سبک ابن البواب نوشته‌های متعددی دارد. در این کتاب وی، شیوه‌های مختلف قلمها، که اسامی آنها را می‌شناسید، بدون تطبیق نمودن با یکدیگر، و یا اسامی آنها، نوشته شده است. از جمله

● تکامل خط عربی،
بیشتر به سمت و
جهت نقش،
مورد توجه قرار
گرفت و اهمیت
شایانی که نسبت به
این خط داده شد،
بیشتر به جهت
مضامین قدسی آیات
قرآنی بود که باعث
گردید از جایگاه
بالایی برخوردار
گردد.



● خط عربی بیانگر،
 بالاترین نوع ابداع و
 خلاقیت در هنر
 اسلامی است، و
 هنرمندان خوشنویس
 به خلق اشکال
 مختلف آن پرداختند
 به طوری که تعداد آن
 از صد نوع فراتر
 رفت. ما در مورد
 نقش خط در تکامل
 نقش عربی بحث
 کردیم.

معروف سلطان علی مشهدی و پسرش سلطان محمد ظهور کردند. پس از آن خوشنویسان دیگری چون عبدالرحمن خوارزمی و پسران وی خود را مطرح کردند و بر زیبایی خط تعلیق افزودند.

اما خط رقاع یا رقعی، از ابتکارات ترکان عثمانی به شمار می‌رود، از مشهورترین خوشنویسان، و ماهرترین آنها، شخصی به نام حافظ عثمان بن علی است، و در سنه ۱۶۹۳ معلم سلطان وقت بوده است.

خوشنویسان در غرب مراکش عربی و اسپانیا با پرداختن به خط حجازی از شیوه جلیل و ثلث، خطی ابتکاری به وجود آوردند.

شیوه‌های خطی که طیبی به عنوان نمونه از سبکهای ابن البواب مطرح می‌نماید، شیوه 'ثلث معتاد است، که در واقع نوع سبکتری از ثلث به شمار می‌رود، دیگر، قلم منشور، قلم تواقع یا نشانه‌گذاری، قلم جلیل ثلث یا ثلث سنگین، قلم مصاحف، مسلسل، غبار نسخ، جلیل محقق، ریحان، قلم ریاشی یا ریاسی، قلم حواش، اشعار، رقاع، مقترن، و قلم لؤلؤ می‌باشد.

پس از آن مدرسه فارسی در دوره تیموری و صفوی به وجود آمد و خط فارسی و قلم نستعلیق و دیوانی و همایونی به وجود آمد، علاوه بر آن خط کوفی ایرانی به وجود آمد، که جمیع بدایع تزئینی و تخیلی در آن جمع گشته است. از دیگر خطها، خط زیبا بود که خط کوفی مژه‌ر، از جمله آن است و در دوره فاطمیان به مصر انتقال یافت.

میرعلی، وزیر شاعر و موسیقیدان، از مشهورترین خوشنویسان منطقه هرات و بخارا در قرن پانزدهم به شمار می‌رفت. و ابتکار خط نستعلیق به وی بازمی‌گردد. پس از آن در هرات، خوشنویس و خطاط